



Obstacles and Challenges of Economic Regulation in the Islamic Republic of Iran in Light of the Rentier Government

Mohammad Jalali¹, Nazanin Fadaee²

¹ Assistant Professor. Public Law Department. Faculty of Law. Shahid Beheshti University.
mdjalali@gmail.com

² PhD Student in Public Law. Faculty of Law. Shahid Beheshti University (**Corresponding Author**).
fadaeenazanin90@yahoo.com

Abstract

In an era when governments are not considered the only actors in the field of public administration, regulation is considered as one of the most important functions of new governance. For this reason, many countries have turned to the establishment of regulatory institutions, especially economic regulation. Recruiting a descriptive-analytical design, the study shows that the negative and unsuccessful experiences in this field in some countries, including Iran, indicate that the concept of economic regulation is closely related to the political structure of governments, the prevailing economic approach and the reason they have their general management; so that regulatory goals cannot be achieved in any political system with any management method and simply by creating institutions and enforcing regulations. The prerequisite for any economic regulation is the existence of at least three components of the minimalism of governments in economic affairs, the existence of a free market and regulatory governance. It seems that the main causes of regulatory inefficiency in Iran are rent-seeking economy, government intervention and domination over the economy, and the implementation of sovereignty instead of governance along with other structural and normative flaws of regulatory institutions. Therefore, unless fundamental changes are formed in the economic foundations and the type of management of public administration, mere structural reform and determination and replacement of powers of regulatory bodies and the adoption of various laws and regulations are not only ineffective but also lead to a strong bureaucracy that encourages more governmental intervention.

Keywords: Regulation, Market, Rentier Economy, Governance, Neo-classical Economics.

Received: 2022/08/09 ; Accepted: 2022/11/21

How To Cite: Jalali, Mohammad; Fadaee, Nazanin (2023). Obstacles and Challenges of Economic Regulation in the Islamic Republic of Iran in Light of the Rentier Government, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(1), 29-50. doi.org/10.22091/CSIW.2022.8487.2310



موانع و چالش‌های تنظیم‌گری اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌ی دولت رانتیر

محمد جلالی^۱، نازنین فدایی^۲

^۱ استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی. mdjalali@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول). nazaninfadaee90@yahoo.com

چکیده

در دورانی که دولت‌ها تنها فعالان حوزه اداره عمومی محسوب نمی‌شوند، تنظیم‌گری به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای حکمرانی جدید مطرح می‌شود. به همین دلیل بسیاری از کشورها به تاسیس نهادهای تنظیم‌گر به خصوص تنظیم‌گری اقتصادی روی آورده‌اند. این پژوهش که مبتنی بر روش تحلیلی توصیفی است نشان می‌دهد که تجربیات منفی و ناموفق در این حوزه در برخی کشورها از جمله ایران نشانگر این است که مفهوم تنظیم‌گری اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با ساختار سیاسی دولت‌ها، رویکرد اقتصادی حاکم و شیوه‌ی مدیریت عمومی آن‌ها دارد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان در هر نظام سیاسی به صرف ایجاد نهادهای تنظیم‌گر به اهداف تنظیم‌گری دست یافت. لازمه‌ی هر تنظیم‌گری اقتصادی وجود حداقل سه مولفه‌ی حداقلی بودن دولت‌ها در امور اقتصادی، وجود بازار آزاد و حکمرانی تنظیمی است. به نظر می‌رسد علل اصلی ناکارآمدی تنظیم‌گری در ایران، اقتصاد رانتی، دخالت و سیطره دولت بر اقتصاد و اعمال حاکمیت به جای حکمرانی در کنار سایر ایرادات ساختاری و هنجاری نهادهای تنظیم‌گر بوده است. بنابراین تا زمانی که تحولات اساسی در بنیادهای اقتصادی و نوع مدیریت اداره عمومی شکل نگیرد، صرف اصلاح ساختاری و تعیین و تعویض صلاحیت‌های نهادهای تنظیم‌گر و تصویب قوانین و مقررات متعدد نه تنها موثر نبوده بلکه منجر به ایجاد یک بروکراسی طویل می‌شود که خود به دخالت بیشتر دولت دامن می‌زند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم‌گری، بازار، اقتصاد رانتی، حکمرانی، اقتصاد نوکلاسیک.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ : تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

استناد: جلالی، محمد؛ فدایی، نازنین (۱۴۰۲). موانع و چالش‌های تنظیم‌گری اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌ی دولت

رانتیر، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۱)، ۲۹-۵۰. doi.org/10.22091/CSIW.2022.8487.2310

مقدمه

بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در اوایل قرن بیستم از جمله شروع جنگ جهانی اول و دوم، زمینه‌ساز دخالت دولت‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی به منظور تامین منفعت عمومی و در نتیجه ایجاد دولت‌های رفاه بود. مسئله‌ای که بعداً منجر به کاهش منفعت عمومی به دلیل ناکارآمدی دولت‌ها در تعدیل نظام هزینه و تولید شد (شمس، ۱۳۹۴: ۱۸). در این برهه تغییرات مهمی در رابطه‌ی دولت و اقتصاد بازار به وجود آمد و تفسیر جدیدی از این رابطه شکل گرفت که بر اساس تجربیات منفی دوره دولت رفاه بود. تعبیر جدید از رابطه دولت و بازار بر دو رکن اساسی استوار بود: ناکارآمدی و شکست بازار در حالت خود تنظیمی و ناکارآمدی دولت به عنوان بازیگر اصلی در اقتصاد و بازار. نتیجه‌ی این رویکرد، محدود شدن نقش دولت در دخالت در بازار و شکل‌گیری مفهوم تنظیم‌گری شد. مطالعه و بررسی تجربیات دولت‌های تنظیمی نشان می‌دهد که دستیابی و تحقق اهداف تنظیم‌گری، صرفاً در پرتو ایجاد نهادهای تنظیم‌گر امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند تحولات اساسی در ساختار دولت به معنای کلان آن، سیاست‌گذاری‌های عمومی و نظام اقتصاد بازار است. در ایران در سال‌های گذشته نهادهای تنظیم‌گر متعددی از جمله شورای رقابت شکل گرفته اما تحول‌چندانی در بازار و تنظیم اقتصاد ایجاد نکرده است. به نظر می‌رسد ریشه‌ی این ناکامی درک نادرست از رابطه‌ی دولت و بازار، برداشت سطحی از تنظیم‌گری و عدم آشنایی با اقتضانات دولت تنظیمی نهفته است. از این رو برای بررسی نظام تنظیم‌گری در ایران باید به یک سوال اساسی پاسخ داد: آیا با صرف ایجاد تغییرات در سطوح اجرایی و ایجاد تغییر در قوانین و مقررات و ایجاد نهادهای تنظیم‌گر، کارآمدی نظام تنظیم‌گری تامین می‌شود؟ پاسخگویی به این سوال در گرو بررسی پیش شرط‌های اصلی تنظیم‌گری است. در این پژوهش سعی بر این است که از مجرای بررسی ارکان و اقتضانات حداقلی ایجاد یک دولت تنظیمی که در اغلب کشورهای دارای تجربه موفق تنظیم‌گری مورد توجه بوده، موانع و چالش‌های آن در ایران مورد بررسی قرار گیرد. لذا بدیهی است که ضمن تشریح هر یک از شاخص‌ها، به وضوح، وضعیت آن سنجه در ایران مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد عدم تحقق و کارایی یک نظام تنظیم‌گری یا یک دولت تنظیم‌گر به سه عامل ابهام در نظریه اقتصاد سیاسی حاکم، عدم شکل‌گیری نظام بازار و فقدان حکمرانی تنظیمی باز می‌گردد.

۱. ابهام در نظریه‌ی اقتصاد سیاسی حاکم

پیدایش مفهوم تنظیم‌گری همچون سایر مفاهیم در حوزه علوم سیاسی و اقتصادی در بستر تغییرات و تحولات اجتماعی رخ داده است. بسیاری بر این باورند، ظهور و تکامل اندیشه‌ی اقتصادی مدرن، با ظهور اقتصاد بازار سرمایه‌داری در سطح تجاری و سپس در سطح صنعتی مرتبط بوده است، به این معنی که اقتصادهای بازار، پدیده‌های نوظهور محسوب می‌شوند و در اکثر زمان‌های تاریخی وجود

نداشته‌اند^۱ (prentis, 2013: 98). بعد از انقلاب صنعتی، نظام اقتصادی به عنوان حوزه‌ای که قواعد و اصول منحصر به خود را دارد و می‌توان آن را مستقل از سایر حوزه‌های مرتبط بررسی کرد، به رسمیت شناخته شد و نظریات اقتصاد سیاسی شکل گرفت (گزارش نظام ملی تنظیم‌گری، ۱۳۹۷: ۱۲-۸). تبیین جایگاه و مبانی تنظیم‌گری در گرو بررسی نظریه‌های کلان اقتصاد سیاسی است که در آنها رابطه‌ی دولت و بازار به بحث گذاشته می‌شود؛ به گونه‌ای که دولت در هر یک از این نظریات نقش و جایگاه متفاوتی دارد. ایجاد دولت تنظیم‌گر، ارتباط تنگاتنگی با نظریه‌ی اقتصاد سیاسی حاکم در جامعه دارد به این معنا که دولت تنظیمی تقریر خاص و ویژه‌ای از رابطه‌ی دولت و اقتصاد را می‌طلبد. از آنجایی که تئوری دولت تنظیم‌گر در پرتو نظریه اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک شکل گرفته است ابتدا به بررسی این مکتب اقتصادی و ارتباط آن با تنظیم‌گری و سپس به نظریه اقتصاد سیاسی حاکم در ایران پرداخته می‌شود.

۱-۱. اقتصاد نئوکلاسیک، بستر نظری دولت تنظیم‌گر

ورود و دخالت گسترده‌ی دولت‌ها در اقتصاد در قالب نظام‌های مختلف حمایتی، در پی بحران‌های بزرگ اقتصادی در قرن نوزدهم، نه تنها سبب حل بحران‌ها نشد بلکه سبب به هم خوردن بازارهای رقابتی خودتنظیم و تغییر آنها به بازارهای انحصاری بود (بوکانان، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹). با ادامه‌ی بحران‌های اقتصادی در اوایل قرن بیستم، فاشیست‌ها و کمونیست‌ها با وعده‌ی کنترل و کاستن تبعات منفی بازار خودتنظیم، مداخلات زیادی در اقتصاد داشتند که در نهایت موجب بروز مشکلات جدی از جمله تورم بالا، نرخ بالای بیکاری، رشد پایین اقتصادی و در نهایت عدم تعادل اقتصادی بلند مدت گردید. در نتیجه، موج جدیدی از مخالفت با دخالت دولت در اقتصاد ایجاد شد، با این تفاوت که در این برهه بر مسئله‌ی شکست بازار خودتنظیم نیز تاکید می‌شد (هایامی، ۱۳۹۲: ۲۵۴).

ایدئولوژی اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک در بطن بحران‌های بزرگ اقتصادی و به عنوان راهکاری برای برون رفت از تجربیات منفی اقتصاد سیاسی کلاسیک و دولت‌های رفاه سر برآورد که به بازتعریف نقش و رابطه‌ی دولت و بازار پرداخت. لذا فهم واقعی دولت تنظیم‌گر در گرو فهم دقیق نظریه‌ی اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک است^۲. یکی از مفاهیم اصلی این نظریه، تاکید بر حداقلی بودن دولت است. در نظریه‌ی

۱. برای هزاران سال، تولید اساساً برای استفاده خانگی یعنی برای خانواده، دوستان و اعضای جامعه بوده است، نه برای فروش به بیگانگان. انقلاب صنعتی ضرورت وجودی اقتصادهای بازار را ایجاد کرد. در کشورهای غربی، پس از انقلاب صنعتی، دستمزدها افزایش یافت، استانداردهای زندگی بهبود پیدا کرد و افزایش جمعیت و نیروی کار، تأثیر مثبتی بر رفاه کشورهای صنعتی گذاشت و همین امر موجب شکل‌گیری نظریات اقتصاد سیاسی شد (وارن جی. و استیمون جی، ۱۳۹۱: ۵).

۲. برای اطلاع از مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک رک: (Brue and Grant, 2007)

اقتصادی نئوکلاسیک، اگر چه هر دو عنصر بازار و دولت، دو رکن اساسی در بازی‌های اقتصادی هستند اما تاکید و محوریت این تئوری، بر بازار به عنوان بازیگر اصلی بازی‌های اقتصادی است و دولت نقش حداقلی دارد و تنها ناظر و مراقب این بازی است (Yeung, 2010: 64). به نظر می‌رسد برای شناسایی و تطبیق یک نظام اقتصادی با مکتب نئوکلاسیک باید به دنبال مولفه‌های متعدد از جمله رقابت و بازار آزاد بود ولی مولفه‌ی برجسته و مهم در این نظریه، همان دولت حداقلی در قوانین و رویه‌های عملی است.

اولین و مهمترین مسئله در شناسایی نوع اقتصاد سیاسی مورد نیاز تنظیم‌گری، حجم فعالیت‌ها و دخالت دولت در اقتصاد است به گونه‌ای که سایر مولفه‌ها (بازار آزاد و رقابت) را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عبارتی در جایی که دولت‌ها نه به عنوان ناظر و تنظیم‌گر بلکه به عنوان بازیگر و ذینفع اصلی در اقتصاد ایفای نقش می‌کند، صحبت از تنظیم‌گری بی‌معناست (Hammarlud, 2005: 65-68). عوامل و شاخص‌های متعددی وجود دارد که می‌تواند تغییر اندازه دولت را در طی زمان و در میان کشورهای مختلف توضیح دهد. از جمله این عوامل می‌توان به منابع درآمد ملی، میزان بازبودن اقتصاد، قیمت نسبی محصولات بخش عمومی و توزیع درآمد اشاره کرد (ابریشمی، برخوردار و مالی، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۳). بررسی تمامی عوامل فوق از حوصله این مقاله خارج است و با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش بررسی شرایط تنظیم‌گری در ایران است در ادامه به بررسی نظام اقتصاد سیاسی ایران پرداخته و به منبع درآمد ملی و پدیده دولت رانتیر به عنوان عاملی تاکید می‌شود که می‌تواند نظام اقتصادی ایران را بهتر توضیح دهد.

۲-۱. نظریه‌ی اقتصاد سیاسی حاکم در ایران

علیرغم ورود جریان تنظیم‌گری در ایران طی سال‌های گذشته، تجربه تاریخی ایران در امور اقتصادی، به گونه‌ای است که به سختی می‌توان آن را در قالب یک مکتب یا نظریه تحلیل کرد و به نظر می‌رسد نظام اقتصادی حاکم، با هیچ‌کدام از معیارهای مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک و نظریات دولت رفاه همخوانی ندارد. آنچه که در اقتصاد اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در طی سالیان طولانی برجسته بوده و می‌تواند اندازه دولت در اقتصاد ایران را شفاف کند، پدیده رانت و دولت رانتیر یا دولت تحصیل‌دار با تاکید بر نفت به عنوان عامل ایجاد دولت‌های رانتیر است. در واقع نظریات دولت و اقتصاد رانتی می‌تواند حجم بزرگی و سیطره دولت بر اقتصاد، نظام اقتصاد سیاسی حاکم و به دنبال آن ناکارآمدی تنظیم‌گری را تبیین و توجیه نماید. دولت رانتیر دولتی است که بخش اعظم درآمد خود را از طریق صدور یک یا چند ماده خام به مؤسسات یا کشورهای خارجی به دست آورد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۸۳). دولت‌های رانتیر اصولاً به دو دلیل عمده نقش پررنگ و برجسته‌ای را در اقتصاد بازی می‌کنند: دلیل اول اینکه برخی از ویژگی‌های صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به تکنولوژی‌های پیچیده کشورهای صنعتی و شرکت‌های چند

ملیتی، وابستگی به سرمایه‌گذاری کلان برای اکتشاف و استخراج، کنترل قیمت نفت توسط نیروهای بین‌المللی، اقتصاد را به طور کامل وابسته به تصمیمات سیاسی و در نتیجه دخالت دولت در اقتصاد می‌کند و در عمل منجر به ناکارآمدی سیاست‌های تنظیمی می‌گردد (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

دلیل دوم این که دولت‌های رانتیر اصولاً به دلیل برخورداری انحصاری از منبع عظیم ثروت (نفت یا هر ماده خام دیگری) بیشترین قدرت را به دست می‌آورند. زمانی که دولت کنترل بخش اعظم ثروت موجود در جامعه (درآمدهای نفتی) را در اختیار می‌گیرد، زمینه کنترل منابع قدرت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز به دست می‌آورد. فرآیند تمرکز منابع قدرت در دست دولت، از توزیع آن در سطح جامعه و قدرت یابی دیگر گروه‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند در نتیجه دولت به یک بازیگر بزرگ اقتصادی تبدیل می‌شود که سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). لذا وجود دولت رانتیر اصولاً نه تنها بر سایر شاخص‌ها و پیش شرط‌های تنظیم‌گری تاثیر می‌گذارد که در ادامه مورد بررسی خواهد گرفت، بلکه با فلسفه‌ی وجودی تنظیم‌گری نیز متباین است. چرا که در تنظیم‌گری با یک دولت حداقلی و ناظر رو به رو هستیم که هدف آن دخالت در مجموعه‌ی اقتصادی با بازیگران مستقل از بدنه‌ی دولت است ولی در دولت‌های رانتیر دولت، حداکثری است که نه تنها هیچ بستری برای تنظیم آن وجود ندارد بلکه به دلیل انحصار ثروت و در نهایت قدرت در دست آن، هیچ اراده‌ای نمی‌تواند دولت را از دخالت در اقتصاد باز دارد یا سبب کم‌رنگ شدن نقش آن در اقتصاد شود.

چنانکه گفته شد نظریه‌ی دولت رانتیر در ایران می‌تواند به شفافیت اندازه دولت در اقتصاد و در نتیجه شناسایی نوع نظام اقتصاد سیاسی در ایران کمک کند. اقتصاددانان اصولاً سهم ۴۲ درصدی از درآمدهای نفتی از مجموع درآمدهای دولت را برای شناسایی دولت رانتیر لازم دانسته‌اند. (فضلی‌نژاد، احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۰). نخستین بار در سال ۱۳۲۸ اولین برنامه توسعه در ایران تدوین شد که به دلیل قطع درآمدهای نفتی در سالهای نهضت ملی ناکام ماند اما در سالهای ۱۳۴۱-۱۳۳۴ ضمن بازگشت درآمدهای مذکور دومین برنامه این نهاد تدوین شد که سهم درآمدهای نفتی در اجرای آن بیش از ۶۴/۵ درصد بود. (موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۷۶: ۲۵۰). بنابراین می‌توان گفت ایران از این تاریخ عملاً به یک دولت رانتیر تبدیل شده است به گونه‌ای که نفت نه تنها همیشه سهمی بیش از ۴۰ درصد از درآمدهای دولت ایران را شامل شده بلکه به عنوان یک متغیر مستقل نظام اقتصادی و سیاسی ایران قلمداد شده است.

نگاه کلی به اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ یعنی تا زمان وقوع انقلاب اسلامی نشانگر این است که همواره سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد بیش از ۴۰ درصد بوده است. با شروع دوره جمهوری اسلامی نیز همچنان سهم درآمدهای نفتی بسیار چشمگیر است (Mahdavy, 1970: 148). گزارش‌های

رسمی منتشره پیرامون اندازه دولت، از جمله گزارش بانک مرکزی که در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است، وابستگی اقتصاد ایران به نفت و بزرگی حجم مداخلات دولتی در اقتصاد را تایید می‌کنند. این گزارش میزان اندازه دولت در اقتصاد ایران را در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۴ بررسی کرده است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد اندازه دولت در همه سطوح در دوره رونق درآمدهای نفتی (۱۳۵۲-۵۷) بالاترین مقدار را نسبت به سایر دوره‌های تحت بررسی داشته و ۶۳، ۱ درصد بوده است. در دوره انقلاب و جنگ (۱۳۵۸-۶۷) همراه با رکود اقتصادی، مخارج دولت کاهش چشمگیری داشته که منجر به کاهش اندازهی دولت به ۸، ۴۰ درصد در اقتصاد ایران شده است. در سال‌های برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۷۲) اندازه دولت مرکزی نسبت به دوره‌ی قبل از آن کاهش داشته، اما اندازه بخش عمومی به رغم رشد قابل ملاحظه تولید ناخالص داخلی تقریباً ثابت مانده است. کاهش شدید رشد اقتصادی در دوره برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳-۷۸) با وجود کاهش رشد مخارج دولت، باعث بزرگتر شدن نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و افزایش اندازه‌ی دولت به ۶/۵۰ درصد طی این دوره شده است. علیرغم رونق اقتصادی طی دوره برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۸۳)، اندازه‌ی بخش عمومی به دلیل افزایش چشمگیری هزینه‌های جاری شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت طی سال‌های این برنامه، بزرگتر شده و به ۵۳ درصد رسیده است. در سال ۱۳۸۴، مخارج جاری و عمرانی دولت در همه سطوح رشد چشمگیری نسبت به سال ۱۳۸۳ داشته و در نهایت اندازه دولت در سال ۱۳۸۴ به ۷۲/۲ درصد افزایش یافته است (بازمحمدی، چشمی، ۱۳۸۵: ۲۱). در سال‌های اخیر (۹۸-۱۴۰۰) نیز در متن بودجه سهم قابل توجهی از درآمدهای دولت به فروش نفت اختصاص یافته است ولی به دلایل متعددی این درآمد محقق نشده است. به طور مثال در بودجه سال ۹۸ درآمد حاصل از فروش نفت ۲۹ میلیارد دلار تنظیم شد در حالی که محمد باقر نوبخت، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه از کاهش درآمدهای نفتی به ۸/۹ میلیارد دلار در سال ۹۸ خبر داد. بر اساس گزارش تفریغ بودجه، درآمد نفت سال ۹۹ نیز کاهش شدید و انحراف ۶۹ درصدی از قانون بودجه داشته است. به گفته رئیس دیوان محاسبات دلیل این کاهش، تحریم و اجرای سیاست فشار حداکثری بر ایران، عملکرد نامناسب فروش نفت و کاهش تقاضای جهانی نفت به دلیل شیوع کرونا در جهان بوده و ارتباطی با استقلال اقتصاد ایران از درآمدهای نفتی ندارد. با این وجود پیش‌بینی درآمد نفتی در بودجه ۱۴۰۰ جهش عجیبی پیدا کرد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در چهار ماه و نیم ابتدایی سال، تنها ۳ درصد از منابع نفتی قانون بودجه سال ۱۴۰۰ محقق شده است.^۱

یکی دیگر از شاخص‌ها برای ارزیابی اندازه بخش دولتی در اقتصاد مقایسه حجم بودجه دولت با

تولید ناخالص داخلی است. بر این اساس هرچقدر سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد نشانگر دخالت بیشتر دولت در اقتصاد است. آمارهای رسمی بانک مرکزی ایران نشان‌دهنده این است که همواره سهم دولت در کل تولید ناخالص داخلی و در نتیجه سهم آن در اقتصاد بسیار زیاد بوده است. به طور مثال بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی از نماگرهای اقتصادی، "سهم دولت (۱۹/۵ درصد) و شرکت‌های دولتی (۴۷/۶ درصد) از کل تولید ناخالص داخلی یا اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۶ رقمی در حدود ۶۷/۱ درصد بوده است"^۱ (گزارش خلاصه تحولات سال ۱۳۹۶، ۱۳۹۷: ۴۰-۹).

در نهایت می‌توان گفت اندازه دولت در اقتصاد ایران، طی چند دهه اخیر، متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ، تحریم‌ها و رشد قیمت‌ها دستخوش نوساناتی بوده است اما به لحاظ تاریخی و به علت داشتن درآمدهای نفتی، دولت همواره به طور بارزی در اقتصاد دخالت کرده است و این دخالت محدود به وضعیت‌های خاص و بحرانی نبوده است. مسئله دخالت دولت در اقتصاد ایران در عدم شکل‌گیری نظام بازار به عنوان بستر اصلی تعاملات اقتصادی و یکی از ارکان اصلی تنظیم‌گری تأثیر به سزایی داشته است. در ادامه به مسئله عدم تحقق نظام بازار به عنوان دومین عامل ناکارآمدی تنظیم‌گری اقتصادی در ایران پرداخته می‌شود.

۲. عدم شکل‌گیری نظام بازار، رکن وجودی بخش تنظیم‌گری

تنظیم‌گری در نظامی معنا پیدا می‌کند که بازار را به مثابه نظام کارآی تخصیص منابع کمیاب به رسمیت می‌شناسد و مداخلات دولت را صرفاً در جهت تسهیل کارکرد بازار تأیید می‌کند.

قطعا نظام بازار، یکی از مهم‌ترین عناصر یک سیستم اقتصادی در تمامی کشورها است که نحوه شکل‌گیری بخش مهمی از فرایندهای اقتصادی جوامع مانند نحوه تخصیص منابع، نحوه تولید و مصرف کالاها و خدمات و نحوه توزیع درآمد و ثروت را تعیین می‌کند. از همین رو نظام بازار مهمترین رکن و بستر اصلی تنظیم اقتصادی است (راتبارد، ۱۳۹۳: ۱۲۸). بنا به تعریف لیند بلوم: «نظام بازار عبارت است از نظامی برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌های انسان در گستره جامعه که نه بر مبنای فرمان مرکزی بلکه با اتکا بر تعاملات دو طرفه در زمینه تعاملات کار می‌کند» (لیند بلوم، ۱۳۸۸: ۱۰). وجود یک نظام تنظیمی وابستگی کامل با میزان تکامل و تکوین نظام بازار دارد به گونه‌ای که در ادبیات اقتصادی از

۱. حجم تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۶ به میزان ۱۴۷۰ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بوده است. حجم کل بودجه‌های شرکت‌های دولتی در بودجه سال ۱۳۹۶ حدود ۸۰۰ هزار و ۵۰۲ میلیارد تومان بوده که برای بررسی اثر هزینه‌ای بودجه شرکت‌های دولتی در تولید ناخالص داخلی، سرفصل بخش مالیات و تملک دارایی‌های مالی از رقم مذکور کسر شده و به رقم ۷۰۰ هزار و ۳۷۰ میلیارد تومان می‌رسد؛ بنابراین، سهم بودجه شرکت‌های دولتی در تولید ناخالص داخلی رقمی معادل ۴۷/۶ درصد است (پیشین).

تنظیم‌گری به عنوان حکمرانی از طریق بازار یاد می‌کنند. از مهمترین عوامل موثر در تشکیل بازار می‌توان به شناسایی مالکیت خصوصی، رقابت و مکانسیم قیمت اشاره کرد. که در زیر به طور مختصر به بررسی هریک پرداخته می‌شود.

۱-۲. مالکیت خصوصی

اگرچه صرف شناسایی مالکیت خصوصی در نظام اقتصادی به منزله‌ی بازار محور بودن نظام اقتصادی نیست اما قدر مسلم این است که هرچقدر میزان تضمین مالکیت خصوصی و استفاده از ابزار خصوصی‌سازی کمتر باشد از اقتصاد نئوکلاسیک که زمینه‌ساز ظهور دولت‌های تنظیم‌گر است فاصله گرفته و به اقتصاد دولتی نزدیک‌تر می‌شویم (ولی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۶۰). قابل ذکر است که شناسایی و تضمین مالکیت خصوصی، مقوم سایر ارکان و عوامل تشکیل دهنده بازار همچون پول، قیمت و رقابت است که بدون آن شکل‌گیری نظام بازار و سایر ارکان آن امکان‌پذیر نیست (Brayer, 1979: 52). در ایران مسئله‌ی شناسایی مالکیت خصوصی در طول دوره‌های مختلف سیاسی و بسته به شرایط حکومت‌ها و حتی دولت‌ها متغیر بوده است. در تاریخ قبل از مشروطیت مالکیت خصوصی به مفهوم امروزی^۱ رسمیتی نداشته است. عصر مشروطه را به دلیل وجود مجلس طبقاتی متشکل از خوانین و مالکان بزرگ زمین که بر حفظ و شناسایی حقوق افراد و طبقات تاکید می‌کردند، می‌توان نقطه‌ی عطفی برای مالکیت خصوصی در ایران قلمداد کرد (علم، کاظمی، ۱۳۹۶: ۹۵). پس از اصلاحات ارضی به همراه افزایش درآمدهای نفتی دولت، مداخلات سرمایه‌گذاری دولتی افزون یافت و سپس با وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ و تملک تعداد زیادی از شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی توسط دولت و تصویب اصل (۴۴) قانون اساسی مالکیت خصوصی کمرنگ و میزان مالکیت دولتی و عمومی در اقتصاد بیشتر شد. اگرچه بعداً در پی تصویب قانون سیاست‌های کلی اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی و برنامه‌های توسعه از جمله برنامه سوم صراحتاً سیاست‌های خصوصی‌سازی ترغیب شده است اما همچنان صحبت از وجود تضمین مالکیت خصوصی و خصوصی‌سازی در نظام اقتصادی ایران که بتواند منجر به شکل‌گیری بازار آزاد شود دور از ذهن است. چرا که به دلیل وجود ایرادات اساسی، از جمله حضور قدرتمند ذینفعان و بنگاه‌های دولتی، عدم وجود زیر ساخت‌های لازم از جمله زیرساخت‌های قضایی مناسب، فقدان شرایط استفاده از روش‌های شفاف واگذاری همچون بازار بورس و استفاده از روش‌های غیر شفاف چون رد دیون، تخلفات گسترده در فرآیند خصوصی‌سازی مثل عدم صلاحیت خریداران، سواستفاده از تسهیلات بانکی و در آخر فقدان یک نظریه حقوق اداری منسجم که به تعریف دقیق مفاهیمی چون اموال دولتی، رفاه اجتماعی،

۱. منظور از مالکیت خصوصی مالکیت افراد بر کالا با حق مبادله و امکان عملی مبادله است که این حقوق با ابزارهای قانونی تسهیل و تضمین نیز شوند.

خدمات عمومی و غیره پردازد، فرآیند خصوصی سازی در ایران، با ایراد جدی مواجه شده و منجر به گونه‌ی جدیدی از انحصارات دولتی شده است (امیریان، ۱۴۰۰: ۱۱۸-۱۱۶).

از طرفی باید توجه داشت که خصلت رانتیری دولت در ایران با خصوصی سازی مغایر است. دولت های رانتیر بواسطه قدرت انحصاری خود تمایل اساسی به ارتقای توان خود برای بزرگ کردن ساختارهای تحت کنترل و تعریف حوزه های جدید مداخله از طریق تشکیل گروه ها و بنگاه های رانت جویی، دستگاه های بروکراسی طولیل و غیره دارند (نصری، ۱۳۸۰: ۲۰۷). لذا در اینگونه دولت ها اراده و خواستی برای خصوصی سازی وجود ندارد یا اگر هم باشد در مواقع بحرانی و به صورت حداقلی و تجربیات ناگوار است. نهادگرایان این وضعیت را اینگونه تشریح می کنند که مسیر توسعه کشورها صرفا از مسیر افزایش برنامه ریزی یا کاهش و تعدیل ساختاری مداخله ی دولت اتفاق نمی افتد؛ بلکه از سر تحول نهادی با هدف دگرگونی و جایگزین ساختن نهادهای مانع فعالیت مولد اقتصادی به شکل دادن به نهادهای فراگیر و تولیدی میسر می شود (رمضانی باصری، ۱۳۹۳: ۱۳۴). بدون ساختار نهادی مناسب به عنوان بستر فعالیت اقتصادی، خصوصی سازی و کاهش مداخله ی دولتی می تواند به تجربه ی خصوصی سازی در روسیه بعد از شوروی (هاف و استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۶۰) و پیدایش یک سرمایه داری رفاقتی و فاسد شبیه آنچه در ایران اقتصاد خصولتی نامیده می شود، منجر گردد.

۲-۲. رقابت

عامل کلیدی پویایی در بازار، رقابت فعالان اقتصادی در فرآیندهای اقتصادی اعم از تولید و مصرف است. رقابت میان مصرف کنندگان برای دستیابی به کالا، خدمات و دارایی ها، آشکارکننده اطلاعات مربوط به ترجیحات مصرف کنندگان و نیازهای آنان و در نتیجه پویایی بازار می شود (Park, 1998: 34).

نظام بازار دارای قوی ترین نظام انگیزشی برای تنظیم فعالیت اقتصادی عوامل انسانی است که به دنبال کسب بیشترین منفعت ممکن در فعالیت های اقتصادی خویش است (Scherer & Ross, 1990: 14).

رقابت در بازار به وسیله حقوق رقابت و سیاست های رقابتی تضمین می شود (خداداد کاشی، شهیکی تاش، ۱۳۸۶: ۱۴۳) و دولتها اغلب در خلال وضع قوانین و مقررات مختلف سعی بر ایجاد و حفظ رویه های رقابتی دارند. در نظام حقوقی ایران اصل آزادی رقابت با استناد به اصول (۲۸) و (۴۳) قانون اساسی مشروط بر آنکه با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران مغایرت نداشته باشد پذیرفته شده است (علاالدینی، شیری، ۱۳۹۵: ۱۲۵). اما عوامل متعددی وجود دارند که مسائل مربوط به رقابت در نظام اقتصادی ایران را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. اولین عامل نقص قانونگذاری صحیح، جامع و شفاف در حوزه رقابت است. در ایران قانون مستقل و شفافی در خصوص رقابت وجود ندارد و حقوق رقابت به صورت پراکنده در قوانین و مقررات متعدد گرد آمده است که اغلب آنها دارای ایرادات جدی چون خلط

مباحث و تکرار رویه‌های ضد رقابتی هستند.^۱

مسئله بعدی، تداوم دولت رانتیر است. باید توجه کرد که رقابت در یک فضای تولیدی شکل می‌گیرد اما در دولت‌های رانتیر به دلیل اینکه درآمد اصلی دولت به جای مالیات ستانی متکی بر درآمدهای نفتی است، لذا تلاش زیادی برای کسب ثروت از طریق تولید که یکی از منابع اصلی مالیات است و همچنین حفظ فضای رقابتی جهت توسعه و استمرار امر تولید نمی‌شود (خضری، ۱۳۸۱: ۱۴). در واقع مسئله‌ی اساسی در یک نظام رانتیر کسب درآمد نه از طریق مشارکت عوامل تولید در فعالیت اقتصادی بلکه به واسطه‌ی داشتن قدرت سلب اختیار از دیگران امکانپذیر شده است. بنابراین در یک نظام رانتیر تولید به عنوان یکی از پایه‌های ضروری تشکیل بازار و بستر رقابت، موضوعیت چندانی ندارد. دولت در اقتصاد رانتی دولت تخصیصی است نه تولیدی و از آنجایی که دولت رانتیر اساساً از رانت به عنوان ابزاری برای ارتقای مشروعیت خود استفاده می‌کند، توزیع ثروت در دست او تابعی از نظام و ارزش‌های سیاسی حاکم و نه اصول و رفتار بنگاه‌های اقتصادی است (Giacomo, 1987: 75) لذا درآمدهای رانتی به جای امر تولید و حفظ اصول رقابت جهت توسعه امر تولید، صرف امور سیاسی می‌شوند. به عبارتی به جای اینکه سیاست در خدمت اقتصاد باشد، نظام اقتصادی در خدمت تامین منافع سیاسی قرار می‌گیرد.

آنچه در این گونه دولت‌ها ایجاد رقابت می‌نماید، دستیابی زیرکانه به اطلاعات صحیح است که خود منشا شکل‌گیری رقابت ناسالم اقتصادی در بازار است. به عبارتی رانت اطلاعاتی اصل رقابت منصفانه و آزاد را در بازار نقض می‌نماید. اقتصاد رانتی به گونه‌ای روحیه‌ی رانت جویی ایجاد می‌کند و این روحیه جایگزین رفتار اقتصادی سیستم عرضه و تقاضا در شرایط رقابتی می‌شود (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۲۸۶). رقابت در کسب رانت جایگزین رقابت در تولید می‌شود.

در نهایت این که اصل رقابت در ایران به طرق گوناگون مخدوش شده است. به طور مثال یاری بی‌دریغ و همیشگی دولت به برخی صنایع به واسطه‌ی قوانین، کمک‌های نقدی، وام دادن و ایجاد مانع برای ورود رقبای که پس از دهه‌ها هنوز هم نمی‌توانند در یک شرایط رقابتی به حیات خویش ادامه دهند، امری است که بر پیچیدگی‌های نقش دولت در اقتصاد می‌افزاید. نزاع بر سر داشتن رانت، موجب می‌شود تا وجوه نه بر اساس مکانیسم بازار پول که بر اساس نزدیکی به دولت تخصیص یابد و از همین رو، به جای آنکه بنگاه‌ها و صنایعی در اقتصاد رشد یابند که می‌توانند بیشترین بازدهی را داشته باشند، بنگاه‌هایی به حیات ادامه می‌دهند که می‌دانند چگونه از مداخله دولت در بازار بهره‌برند (Mahdavy, 1970: 204). با این تفاسیر صرف تاسیس نهادی چون شورای رقابت فارغ از ایرادهای ساختاری آن چون عدم استقلال یا تعارض وظایف با سایر نهادها، کارایی چندانی در حفظ و ایجاد رقابت ندارند.

۱. برای مطالعه ایرادات وارده بر قوانین مربوط به رویه‌های رقابتی در ایران رک: (علاالدین و شیر، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۳۳)

۳-۲. سازوکار قیمت

قیمت، سازوکار هماهنگ‌کننده‌ی نظم خودجوش نظام بازار است. نظم حاکم بر نظام بازار، یک نظم خودکار است که در نقطه مقابل نظم طراحی شده یا سلسله مراتبی قرار دارد که با طرح و قصد آگاهانه انسان‌ها ایجاد می‌شود و در آن طبق سلسله مراتبی خاص، دستورات از بالاترین مرجع تا پایین‌ترین واحدها منتقل می‌گردد و این دستورات تعیین می‌نمایند که هر یک از واحدها چگونه باید رفتار کنند (Taylor, 2009: 24). در نظم خودجوش، افراد یا واحدها در پی دستیابی به اهداف انفرادی خود هستند و برای تحقق اهداف فردی خویش با هم تعامل و مبادله می‌کنند. آنچه مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی میان افراد بیشمار را در بازار نظم و سامان می‌بخشد، رقابت مردم در جهت کسب «منفعت شخصی» است که از طریق یک «دست نامرئی» هدایت می‌گردد. دست نامرئی آدم اسمیت، استعاره‌ای از مکانیسم قیمت‌ها است که با تطبیق مقادیر عرضه و تقاضای کالاها، مبادلات بازاری را با هم هماهنگ می‌کند و در عین حال با تامین منافع فردی، منافع و نظم اجتماعی را تامین می‌نماید (اسمیت، ۱۳۹۷: ۸۴). فریدمن معتقد بود که مداخله‌ی دولت از طریق بانک‌های مرکزی در بازار بواسطه‌ی تزریق پول و پایین نگه داشتن نرخ بهره که مطابق تحلیل کیتزین‌ها قرار است به دولت در مدیریت تقاضا، کنترل قیمت، تثبیت رشد و افزایش اشتغال کمک کند بر نوعی خیال استوار است و تنها بحران و رکود را به بهای افزایش تورم به تعویق می‌اندازد (فریدمن، ۱۴۰۰: ۲۰۷). تورمی که در دراز مدت به ابر تورم تبدیل می‌شود و علیه خود سیاست رشد عمل می‌کند. فرضیه‌ای که می‌تواند تورم فعلی ایران و عدم تعادل قیمت و نبود نظم خود جوش بازار را در ایران ارزیابی کند. نظام اقتصادی ایران سرشار از مثال‌هایی است که دولت در حوزه‌ی عرضه و تقاضا و تعیین نظام قیمت‌گذاری دخالت داشته است. نظام قیمت‌گذاری در ایران شامل تصمیمات و اقدامات مجموعه نهادهایی می‌شود که عمدتاً دولتی و حاکمیتی هستند یا از اعضای دولتی تشکیل شده‌اند. مجلس شورای اسلامی، شورای اقتصاد، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، کارگروه تنظیم بازار، شورای رقابت و در نهایت شورای عالی هماهنگی سران قوا که در سال ۱۳۹۷ به دستور رهبری تشکیل شد، مهمترین کانال‌های دخالت دولت در نظام قیمت‌گذاری به شمار می‌روند. بررسی سابقه‌ی این نوع از سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتی همچون نظام قیمت‌گذاری کالاهای منتخب یا ایجاد سامانه‌ی رصد قیمت به بهانه‌ی تنظیم‌گری بازار نشان می‌دهد که اولاً به دلیل انتزاعی بودن نرخ‌های تعیین شده برای انواع کالاها و همچنین فاصله‌ی نرخ‌های دستوری با مطلوبیت تولیدکننده و مصرف‌کننده (نرخ بهینه)، عملاً اهداف دولت برای تثبیت قیمت محقق نمی‌شود^۱. ثانیاً تعدد نهادهای قیمت‌گذار و

۱. از نرخ‌گذاری در حوزه‌ی ارزی مثل دلار ۴۲۰۰ تومانی گرفته تا تعیین قیمت کالاهای مصرفی روزانه مثل گوشت و تخم مرغ

شفاف نبودن وظایف هر یک از آنها، نه تنها سبب تعادل بازار نشده بلکه به تشویش هرچه بیشتر نظام قیمت‌ها دامن زده است.^۱ ثالثاً ترکیب اعضای تشکیل دهنده نهاد‌های مذکور عمدتاً به گونه‌ای است که منجر به اتخاذ تصمیمات سیاسی شتاب‌زده و غیرمعقول در امور اقتصادی می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

همانطور که قبلاً گفته شد خصلت رانتی دولت بر همه‌ی شاخص‌های تنظیم‌گری از جمله تشکیل بازار اثر می‌گذارد. در یک اقتصاد رانتی تولید ثروت به وسیله گروه‌های ذینفع کوچک در جامعه انجام می‌گیرد و مابقی جامعه در نقش مصرف‌کننده یا توزیع‌کننده ظاهر می‌شوند. لذا عرضه، تقاضا و تولید به عنوان شاخص‌های اصلی ایجاد چرخه یا مکانیسم قیمت در بازار شکل نمی‌گیرد (عبدی پور فرد و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۹۷).

در انتهای مبحث شناسایی شاخص دوم تنظیم‌گری یعنی نظام بازار باید گفت از آنجایی که در دولت‌های رانتی، تامین مالی از مسیر بازار سرمایه به عنوان یکی از مجراهای اصلی و مهم در تامین سرمایه، صورت نمی‌گیرد، دولت توجه چندانی به شکل‌گیری و ایجاد بازار سرمایه نمی‌کند. در ایران به لحاظ دولتی بودن شرکت‌ها در بازار سرمایه، این بازار به شدت متأثر از تصمیمات سیاسی و حکومتی است. عمده‌ی متقاضیان سهام در بورس سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت است و بخش خصوصی اصولاً مشارکت کمی در بازار داشته است. به طور یقین با توجه به شیوه‌ی نگرش دولتی در بازار سرمایه ایران حتی در صورت انتقال بخش عمومی به بخش خصوصی خصوصی در آینده ادامه خواهد داشت.

اصولاً اندازه‌ی بازار سرمایه از سیاست‌های اقتصادی هر کشور نیز تبعیت می‌کند. کشورهایی که دخالت وسیعی در اقتصاد دارند اصولاً بانک مرکزی در آنها با ساختاری معیوب و غیر مستقل، مبنای نقدینگی سوق یافته از بانک‌های دولتی یا خصوصی به اقتصاد است. به عبارتی در این قبیل دولت‌ها سیاست‌های پولی به جای تامین نقدینگی از بازار سرمایه سکندار اقتصاد است در نتیجه بازار سرمایه توسعه یافته‌ای شکل نمی‌گیرد (جامساز، ۱۳۸۲: ۵۰). به همین دلیل منابع مالی به ناچار از طریق سیستم بانکی یا از طریق بازارهای غیر رسمی در نقل و انتقال صورت می‌گیرد و این مکانیسم به جریان ناکارآمد تامین مالی فعالیت‌های مالی منجر می‌شود که خود به مسئله‌ی دولت رانتی دامن می‌زند و این چرخه تا زمانی که مدل دولت‌ها در تامین مالی و همچنین مدل مدیریت و حکمرانی آنها تغییری نکند ادامه می‌یابد.

۱. به طور مثال می‌توان از اختلاف بر سر قیمت‌گذاری کالاها توسط سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نام برد.

۳. حکمرانی، مناسب‌ترین مدل اداره امور عمومی در تحقق تنظیم‌گری

چنانچه در مقدمه ذکر شد پرسش اساسی این پژوهش در حوزه تنظیم‌گری این است که آیا تنظیم‌گری ملازمه‌ای با تغییر در حاکمیت دارد یا صرفاً ایجاد نهادهای تنظیم‌گر و مقررات مربوط به آن کفایت می‌کند؟ تحولات نظری در خصوص نقش و مفهوم دولت‌ها، سبب ایجاد شیوه‌ی جدیدی در مدیریت دولتی گردید که از آن به عنوان حکمرانی^۱ یاد می‌کنند که با تنظیم‌گری ارتباط اساسی دارد. بر این اساس اشاره مختصری به ماهیت حکمرانی و ارتباط آن با تنظیم‌گری و دولت مدرن می‌شود.

۱-۳. ماهیت حکمرانی

هسته‌ی اصلی مفهوم حکمرانی، عبور از نقش فراگیر دولت است و به نقش بخش‌های خصوصی و نهادهای مدنی در اجرای سیاست‌های دولتی توزیع عمودی قدرت در لایه‌های فرادولتی و سطوح محلی اشاره می‌کند. در واقع قدرت در نظام حکمرانی مدلی چندلایه و تعاملی بین گروه‌های دینفع دارد. حضور گروه‌های متنوع و متعدد با منافع متفاوت در جامعه نیازمند هماهنگی درون سیستمی دارد. لذا نظارت بر تعاملات آنها امری اجتناب‌ناپذیر است (امامیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۵). به همین مناسبت مفهوم نهادهای تنظیم‌گر به منظور نظارت و تضمین اجرای سیاست‌های حاکمیتی در بخش خصوصی و عمومی به وجود آمد. لذا تنظیم‌گری یکی از وجوه اصلی نظام حکمرانی است. به عبارتی صحبت از تنظیم‌گری بدون ارائه‌ی شیوه‌ی مدیریت نوین دولتی به نام حکمرانی بی‌معناست (گزارش نظام ملی تنظیم‌گری، ۱۳۹۷: ۸). حال اگر حکمرانی را بستر تنظیم‌گری و پیش شرط اساسی آن به شمار آوریم پرسش اصلی این است که شاخصه‌های نظام حکمرانی چیست؟ در چه شرایطی می‌توانیم از نظام حکمرانی صحبت کنیم؟ در دورانی که دولت‌ها دیگر تنها بازیگران حوزه‌ی اداره امور عمومی محسوب نمی‌شوند و توزیع اقتدار عمومی به رسمیت شناخته شده است تنظیم‌گری از جمله مهمترین ظرفیت‌های حکمرانی مدرن محسوب می‌شود.

در حکمرانی، دولت به عنوان یک کل بزرگ در نظر گرفته نمی‌شود و اعمال حاکمیت از طرق مختلف توسط نهادهای عمومی و خصوصی و سایر فعالین حوزه عمومی انجام می‌گیرد. به عبارتی دولت با واگذاری خدمت عمومی به بخش غیر دولتی دست به تجزیه خود می‌زند و با تغییر کارکرد خود از نقش تامین‌کننده به تنظیم‌کننده خدمات رفاهی تبدیل شده و در این راستا به جای استفاده از اقتدار سلسله مراتبی ناشی از مالکیت مستقیم بر منابع به وضع مقررات و سایر ابزارهای مبتنی بر مذاکره روی آورده است (شمس، ۱۳۹۷: ۵۴). لذا دولت تنظیم‌گر، یک موجود واحد و عظیم نیست که بر همه‌ی ابعاد

۱. تعریف اسکات (Colin Scott) از حکمرانی: حکمرانی مجموعه گستردای از ظرفیت‌ها و منابع است که برای اعمال قدرت بر دامنه گسترده‌ای از فعالین دولتی، غیردولتی و فراملی به کار می‌رود (Scott, 2003: 100).

اقتصادی اجتماعی از جمله ارائه خدمات عمومی سیطره و دخالت کامل دارد بلکه دولت یک نیروی محوری و مرکزی با نقش نظارتی است که در کنار سایر نهادهای مجری و ارائه‌دهنده خدمات با استقلال نسبی از دولت، تکمیل می‌شوند (Simon, 2006: 40). نکته مهم و قابل توجه این است که ایجاد مفهوم مدیریت نوین دولتی یا حکمرانی اساساً با پدیده‌ی دولت‌های مدرن همخوانی دارد. بنابراین یکی از پیش شرط‌های اصلی تنظیم‌گری تغییر در ساختار و کارکرد دولت‌هاست به طوری که می‌توان گفت تنظیم‌گری از کارکردهای دولت مدرن است. لذا تا زمانی که زیرساخت‌های دولت مدرن شکل نگرفته باشد صحبت از تنظیم‌گری بی‌معناست.

بر این اساس صحبت از تنظیم‌گری و رابطه دولت و بازار، خصوصی‌سازی، نظارت دولت و این قبیل مسائل در دولت‌های مدرن امکانپذیر است. لذا در حکومت‌هایی می‌توان از حکمرانی و به طبع آن تنظیم‌گری صحبت کرد که دست کم بستر مناسب آن یعنی دولت مدرن فراهم باشد.

۲-۳. دولت مدرن

از نظر ماکس وبر و لافمن، دولت مدرن شکل خاصی از دولت بوده که در مقوله کلی‌تری از انجمن‌های سیاسی است. از دیدگاه وی دولت یک اجتماع انسانی است که حق انحصاری استفاده مشروع از زور را در قلمرو ارضی معینی دارد. همچنین دولت مدرن دستگاه اجرایی و نظام قضایی دارد و می‌توان آن را به وسیله دستگاه قانونگذاری تغییر داد. فعالیت‌های سازمان یافته رهبران و کارکنان دستگاه اجرایی دولت در چارچوب ضوابط و مقررات قرار می‌گیرد و در خدمت اجرای قوانین و مقررات است (Ioveman, 2005: 104).

می‌توان ۹ شاخص یا ویژگی اصلی برای دولت‌های مدرن شناسایی کرد که بر اساس آنها مسئله ایجاد دولت تنظیمی قابل تبیین است. این ویژگی‌ها عبارتند از: کنترل انحصاری خشونت یا زور در دست دولت، سرزمینی بودن یا داشتن قلمروی جغرافیایی، مفهوم حاکمیت، مشروطیت، دیوان‌سالاری، اقتدار و حقانیت، شهروندی و حقوق شهروندی و در آخر مالیات است (Weber, 1987: 54-56). از بین شاخص‌های مذکور، چندین مورد، در نظام سیاسی ایران، مورد مناقشه جدی است که سبب دور شدن عنوان دولت مدرن از ایران می‌گردد و طرح و بسط آنها نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است، اما آنچه که در بحث تنظیم‌گری در ایران به شدت ایده دولت مدرن و همچنین بحث تنظیم‌گری را زیر سوال می‌برد اصل مالیات ستانی است. یکی از شاخص‌های اصلی در تشخیص نوع حکومت، منبع اصلی درآمد ملی است. به گونه‌ای که هر چقدر سهم مالیات از مجموع درآمد ملی در یک دولت بیشتر باشد به دولت‌های مدرن و هر چقدر سهم منابع طبیعی (مانند نفت) و درآمدهای خارج از فعالیت‌های مولد اقتصادی بیشتر باشد به دولت‌های رانتیر نزدیک‌تر می‌شویم. در دولت رانتیر برخلاف دولت متکی به مالیات که باید تلاش زیادی جهت دستیابی به ثروت از طریق تولید و در نهایت مالیات داشته باشد صرفاً باید تصمیم

بگیرد که کدام یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت برتری دارد. در واقع دولت درآمد خود را از منابع طبیعی و رانتي به دست می‌آورد نه از طریق اخذ مالیات از مردم، لذا هیچ وابستگی به مردم آن جامعه ندارد (فضلی‌نژاد، احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳۷). ارتباط بین دولت و جامعه مبتنی بر نمایندگی نبوده و همین امر سبب می‌شود پیوند بین مردم و جامعه با حکومت بسیار سست شود. به عبارتی عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی دولت در برابر مردم جزئی از ساختار رانتیسم است. با تاکید بر دلایلی که پیشتر در اثبات وابسته بودن اقتصاد ایران به رانت گفته شد، درآمدهای نفتی دولت ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد و با آغاز فعالیت کنسرسیوم، سیری ثابت و رو به رشد یافت. این مسئله سرانجام سبب شد در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ و ابتدای دهه ۱۳۴۰ درآمدهای نفتی در جایگاه اصلی ترین منبع درآمد دولت قرار گیرد که در پی آن دولت رانتیر در ایران شکل گرفت.^۱ چنانکه در مباحث قبل با آمار و ارقام و به طور مستدل بیان شد، از آن زمان به بعد نفت به عنوان مهمترین منبع درآمدی دولت در ایران قلمداد شده است.

ارتباط دیگر بحث حکمرانی در دولتهای مدرن با تنظیم‌گری به مسئله ثبات سیاسی و تاثیر آن بر مدیریت یک کشور و رشد و مدیریت اقتصاد آن باز می‌گردد. ظهور انواع نظام‌های سیاسی و روند تاریخی تحولات به وقوع پیوسته در عرصه مدیریت یک کشور این سوال را به وجود می‌آورد که کاراترین ساختار و مدل مدیریت برای دستیابی به اقتصاد قدرتمند چیست و اصولاً حکمرانی به چه اندازه می‌تواند بعد اقتصادی را تحت تاثیر خود قرار دهد؟ باید توجه داشت که تشنج و ناآرامی سیاسی تمرکز را از مدیریت اقتصادی می‌گیرد و انرژی و منابعی که باید صرف پیشرفت و کنترل امور اقتصادی شود به بغما می‌رود (Miljovic and Rimal, 2008: 2461). تجربه‌های بی‌ثباتی سیاسی و تاثیر آن بر بی‌ثباتی اقتصادی در چند سال اخیر و همین‌طور بی‌ثباتی‌های سیاسی در دهه ۵۰ در ایران نشان‌دهنده رشد اقتصادی نامتوازن، افزایش نارضایتی مردم و اعتراض اپوزوسیون داخلی و تغییرات شدید در درآمدهای نفتی و به دنبال آن نامتوازن شدن اقتصاد را در پی داشته است. پیش‌بینی می‌شود که بی‌ثباتی از طریق چهار کانال بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارد: تزلزل حقوق مالکیت فردی، عدم پیش‌بینی ماهیت و عملکرد دولت‌های آتی و افزایش فعالیت‌های واسطه‌گری، تخریب دارایی‌ها به دنبال افزایش اعتراض‌ها (Gordon, 1967: 192). چنانکه گفته شد در حکمرانی، با تبدیل شدن دولت از یک واحد عظیم که در همه حوزه‌ها دخالت و

۱. وضعیت درآمدهای نفتی ایران طی دوره (۱۳۳۲-۱۲۹۱) به گونه ای نبود که به ساخت قدرت براساس الوی دولت رانتیر بیانجامد اما جایگاه برتری در درآمدهای دولت به دست آورد. تولید نفت در این دوره از ۴ هزار تن در سال آغاز شد و به ۳۱۷۵۰ تن رسید و درآمد حاصل از آن نیز از ۲۵۰ هزار لیر در یک سال آغاز شد و به ۱۶ میلیون لیره رسید (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۱).

اعمال قدرت می‌کند به یک هسته مرکزی پر قدرت با بازوان اجرایی مستقل و پر قدرت و همچنین استفاده از ابزارهایی مبتنی بر مذاکره که در نهایت منجر به پررنگ شدن نقش جامعه مدنی و بخش خصوصی و ظرفیت‌های آنان می‌شود از بروز بی‌ثباتی و ناآرامی به طور قابل توجهی جلوگیری می‌کند. در نتیجه در یک نظام مبتنی بر حکمرانی می‌توان انتظار داشت که تنظیم‌گری ثمره و نتیجه موفق‌تری داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در ایران طی سالیان طولانی، تفکیک مشخصی بین سیاستگذاری و تنظیم‌گری وجود نداشته است، اما با گذشت زمان به تدریج سازمان‌هایی در زیرمجموعه دولت به وجود آمدند که با تمرکز بر وظایف تنظیم‌گرانه، اموری همچون مجوزدهی، تنظیم بازار و اعمال برخی جرائم بر متخلفان را برعهده گرفتند. ایجاد برخی نهادهای نسبتاً مدرن تنظیم‌گر دولتی مانند سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و سازمان تنظیم مقررات رادیویی نیز با هدف ایفای نقش تنظیم‌گرانه دولت ایجاد شده‌اند. پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و تصویب قانون اجرای این سیاست‌ها که به تشکیل شورای رقابت انجامید، مرحله جدید استقرار نظام تنظیم‌گری در کشور آغاز شد که توفیق چندانی به همراه نداشته است. آسیب‌شناسی نهادهای مقررات‌گذار و به طور کلی تنظیم‌گری در ایران به عوامل متعددی باز می‌گردد. شاید ایرادات ساختاری نهادهای تنظیم‌گر که استقلال و بی‌طرفی آنها را تمکین نمی‌کند، مشکلات هنجاری در خصوص صلاحیت تاسیس اینگونه نهادها، عدم شفافیت معیارهای تصمیم‌گیری و صلاحیت‌های نهادهای تنظیم‌گر، تعارض و تداخل صلاحیت نهادهای تنظیمی، عدم مسئولیت‌پذیری از مشکلات مربوطه به تنظیم‌گری در ایران باشد اما به نظر می‌رسد علت عمده ناکامی تنظیم‌گری در ایران به عدم وجود پیش‌نیازها و اقتضانات اصلی تنظیم‌گری باز می‌گردد. عمده مشکلات اقتصادی شکل گرفته در ایران که نشان از عدم تعادل و تنظیم در بازار و اقتصاد دارد، به ساختار حاکم بر نظام سیاسی و نوع مدیریت و اندازه دولت باز می‌گردد. لذا وقتی ورود دولت به اقتصاد، منشاء مشکلات است تجویز تنظیم‌گری نه تنها با ماهیت دولت مداخله‌گر تناسبی ندارد بلکه متناقض است. در نتیجه تا زمانی که مفهوم حکمرانی تنظیمی جایگزین حاکمیت نشود، بازار آزاد توانایی تامین منابع مالی دولت را نداشته و اقتصاد همچنان رانتی باشد نمی‌توان از مفهوم تنظیم‌گری و حکمرانی تنظیمی در ایران سخن گفت.

فهرست منابع

- اسمیت، آدام؛ ۱۳۹۷ش، ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، پیام.
- امیریان، پدram، ۱۴۰۰ش، "تأثیر خصوصی‌سازی بر تغییر شیوه حکمرانی بر اساس نظریه‌ی نهادگرایی حقوقی"؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمد جلالی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- ابریشمی، حمید، برخوردار، سجاد، مالی، زهره؛ ۱۳۹۷ش، "عوامل تعیین‌کننده اندازه دولت با تأکید بر نقش عوامل نهادی- سیاسی و حکومتی: مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، ش ۴.
- امامیان، محمدصادق و دیگران، ۱۳۹۷ش، "نظام ملی تنظیم‌گری"، دفتر مطالعات اقتصاد بخش عمومی.
- بازمحمدی، حسین، چشمی، اکبر؛ ۱۳۸۵ش، "اندازه دولت در اقتصاد ایران" مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بی‌نا، ۱۳۸۲ش، فساد مالی و اقتصادی و ریشه‌ها و پیامدها، تهران، تدبیر اقتصاد، ج ۲.
- بوکانان، جیمز، ۱۳۸۹ش، انتخاب عمومی: خاستگاه‌ها و توسعه برنامه تحقیقاتی، در تحلیل اقتصادی سیاست (درآمدی بر انتخاب عمومی)؛ ترجمه علی سرزعی؛ تهران، آثار اندیشه.
- جامساز، محمود، ۱۳۸۲ش، "اقتصاد رانتی مانع بزرگ اصلاحات"، نشریه هدف و اقتصاد، ش ۲.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۷ش، دولت نفت و توسعه اقتصادی در ایران؛ تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱.
- خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ش، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- خضری، محمد، ۱۳۸۱ش، "رانت و رانت جویی و هزینه‌های اجتماعی"، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده مطالعات راهبردی، ش ۸.
- رمضانی باصری، عباس، ۱۳۹۳ش، "تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه"، مجله اقتصادی، ش ۳.
- شمس، عرفان، ۱۳۹۴ش، خودتنظیمی، مبانی و مدل‌ها، تهران، خرسندی.
- شامبیانی، ۱۳۷۶ش، "مخالفت با دولت تحویلدار"، ترجمه عبدالقیوم شکاری، فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۲۸.
- علال‌الدینی، امیر عباس، شیر، مهرزاد؛ ۱۳۹۵ش، "قواعد حقوق رقابت در ایران و تحولات آن در پرتو سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی"، نشریه قضاوت، ش ۸۷.
- فضلی‌نژاد، سیف‌الله، احمدیان، مرتضی، ۱۳۸۹ش، "اقتصاد رانتی و راه‌های برون رفت از آن"، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱۱ و ۱۲.
- فریدمن، میلتن، ۱۴۰۰ش، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران، فرزاد روز.
- قاسمی، علی اصغر، ۱۳۸۲ش، "ویژگی‌ها و پیامدهای ساختار رانتی در ایران"، مجله فرهنگ و اندیشه، ش ۱۱.
- کاظمی، حجت؛ ۱۳۹۴ش، "از شکست بازار تا شکست دولت، مناقشه بازرگرایان و دولت‌گرایان در دوران مدرن"، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست نظری، ش ۱۸.
- کاظمی، سجاد، علم، محمدرضا؛ ۱۳۹۶ش، "تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمینداری"، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ش ۳۶.
- کارلا، هاف، استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۴ش، موانع برقراری حاکمیت قانون در کشورهای اتحاد شوروی سابق در: چند

- مقاله در زمینه موانع نهادی توسعه، ترجمه و ویراستار: زهرا کریمی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ ۲.
- گزارش موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۷۶ ش، طرح درهم‌آمیزی صنعت نفت و اقتصاد ملی، تهران، موسسه مطالعات انرژی.
- عبدی پور فرد، ابراهیم، صالحی مازندرانی، محمد، دریس، خلود، ۱۴۰۰ ش، قراردادهای پرواز با نماد مشترک از منظر حقوق رقابت: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه، حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۲.
- لیندبلوم، چارلز، ۱۳۸۸ ش، نظام بازار، ترجمه محمد مالجو، تهران، نی.
- نصری، قدیر، ۱۳۸۰ ش، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- وارن جی. سیمونز، استیمون جی. مدم، ۱۳۹۱ ش، تاریخ اندیشه اقتصادی: از ارسطو تا جان استوارت میل پیش از میلاد تا سده نوزدهم، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، نشر مرکز.
- هایامی، یوجیرو، ۱۳۹۲ ش، اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران، نی، چ ۵.
- Breyer, S. (1979). Analyzing Regulatory Failure: Mismatches, Less Restrictive Alternatives, and Reform, Harvard Law Review.
- Brue, Stanley L. & Grant, Randy R. (2007). "The Evolution of Economic Thought", 7th Ed. Linfield Authors Book Gallery.
- Gordon, T. (1967). "The Welfare Costs of Tariffs, Monopolies, and Theft", Western Economic Journal.
- Giacomo, L. (1987). Allocation vs. Production States: A Theoretical Framework in Beblawi and Luciani (Eds), The Rentier State London: Croom Helm.
- Prentis, Eric L. (2013). Competitive Market Economies: Self-Regulating Markets vs. Economic Stability and the Paradox of Change, in Journal of Business, Economics & Finance, 2(2), Houston.
- Karen, Y. (2010). "The Regulatory State", in Robert Baldwin, Martin Cave and Martin Lodge (eds.), The Oxford Handbook of Regulation, Oxford, Oxford University Press.
- Loveman, M. (2005). The Modern State and the Primitive Accumulation of Symbolic Power, AJS, 110(6).
- Miljkovic, D. & Rimal, A. (2008). "The Impact of Socio-Economic Factors on Political Instability: A Cross-Country Analysis", The Journal of Socio-Economics, 37(6).
- Mahdavi, H. (1970). The Patterns and Problems of Economic Development of Rentier State: The Case of Iran in M.A. Cook, (Ed), Studies in Economics.
- Scott. C. (2003). Regulation in the Age of Governance: The Rise of the Post- Regulatory State, National Europe Centre Paper, No. 100.
- Simon, W. (2006). Toyota Jurisprudence: Legal Theory and Rolling Rule Regimes: New Governance in the EU and the US, eds. G. de Búrca and J. Scott. Oxford: Hart Publishing.
- Weber, M. (1978) Economy and Society, Volume I. New York: Bedminster.

Persian Sources

- Smith, A. (2017). "Wealth of Nations", Translated by Sirus Ebrahimzadeh, Tehran: Payam.
- Amirian, P. (2021). "The Effect of Privatization on the Change of Governance Based on the

- Theory of Legal Institutionalism", MA Thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University.
- Abrishmi, H., Bakhrodi, S. & Mali, Z. (2017). "Determinants of Government Size with Emphasis on the Role of Institutional-Political and Governmental Factors: A Case Study of Oil Exporting Countries", *Econometric Modeling Quarterly*, Number 4.
- Imamian, M S, et al. (2017), "National Regulatory System", Office of Public Sector Economic Studies.
- Bazmohammadi, H. & Cheshmi, A. (2006). "Government Size in Iran's Economy", Research Center of the Islamic Parliament.
- Bina, ?. (2003). *Financial and Economic Corruption and its Roots and Consequences*, Volume 2, Tehran: Tadbir Ekhtaz.
- Buchanan, J. (2019). *Public Choice: The Origins and Development of the Research Program, in the Economic Analysis of Politics (Income on Public Choice)*; Translated by Ali Sarzaim; Tehran: Kar-e Andish.
- Jamsaz, M. (2003). "Rentier Economy Is a Big Obstacle to Reforms", *Journal Target and Economy*, No. 2.
- Haji Yousefi, A M. (2017). *Oil Administration and Economic Development in Iran*, Tehran: Islamic Revolution Document Center, 1st ed.
- Summary of the Country's Economic Developments in 2016. (2017). Department of Economic Studies and Policies of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran.
- Khezri, M. (2018). "Rent and Rent-Seeking and Social Costs", Research Report of the Institute of Management Studies, No. 8.
- Ramezani Basri, A. (2013), "Explaining Institutionalism and its Tendency to Development", *Journal of Economics*, No. 3
- Shams, I. (2014), *Self-Regulation, Basics and Models*; Tehran: Khorsandi Pub.
- Shambiani, ?. (1997). "Opposition to the *Tahsildar* Government", Translated by Abdul Qayyum Shekari, No. 28.
- Aladdini, A A. & Shiri, M. (2016). "Rules of Competition Law in Iran and its Developments in Light of the General Policies of Article 44 of the IRI Constitution", *Journal of Judicial Sciences*, No. 87
- Fazlinejad, S. & Ahmadian, M. (2010). "Rentier Economy and Ways Out of it", *Journal of Economics- Monthly Review of Economic Issues and Policies*, No. 11 & 12.
- Friedman, M. (2021). *Freedom of Choice*; Translated by Hossein Hakimzadeh Jahromi, Tehran: Farzan Rooz.
- Ghasemi, A A. (2003). "Characteristics and Consequences of Rent Structure in Iran", *Culture and Thought Magazine*, No. 11.
- Kazemi, H. (2014). "From the Failure of the Market to the Failure of the Government: The Conflict between the Marketists and the Governors in the Modern Era", *The Biennial Scientific Research Journal of Theoretical Political Research*, No. 18.
- Kazemi, S. & Alam, M R. (2016). "The Effect of Constitutional Revolution on the Transformation of the Land Tenure System", *Historical Research Quarterly*, No. 36.
- Karla, H. & Stiglitz, J. (2014). *Obstacles to Establishing the Rule of Law in the Countries of the Former Soviet Union; in Several Articles on Institutional Obstacles to Development*; Translator and Editor: Zahra Karimi, 2nd Ed, Tehran: Islamic Parliament Research Center.

- Report of the Institute of International Energy Studies. (2016), The Project of Combining the Oil Industry and the National Economy, Tehran: Institute of Energy Studies.
- Abdipour Fard, E., Saleh Mazandarani, M. & Drees, Kh. (2021). Flight Contracts with a Common Symbol from the Perspective of Competition Law: A Comparative Study in Iranian Law and Imamiyyah Jurisprudence, American Law and the European Union, Quarterly Journal of Comparative Islamic Law and West Research, No. 2.
- Lindblom, Ch. (2018). Market System; Translated by Mohammad Maljo, Tehran: Ney Pub.
- Nasri, Q. (2001). Oil and National Security of the Islamic Republic of Iran; Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Warren, J S. & Stimon J. M. (2013). The History of Economic Thoughts: From Aristotle (BC) to John Stuart Mill (19th Century); Translated by Mohammad Hossein Waqar, Tehran: ? Publishing Co.
- Hayami, Y. (2013). Economy of Development from Poverty to Wealth of Nations; Translated by Gholamreza Arad Armaki, 5th Edition, Tehran: Ney Pub.

